

۱۸ الهیات دیداری

رای و روح است سرزای و با این پنج شکل و چهره در هر روز است و در هر روز

۱۹ آیا خدا از بیاست؟

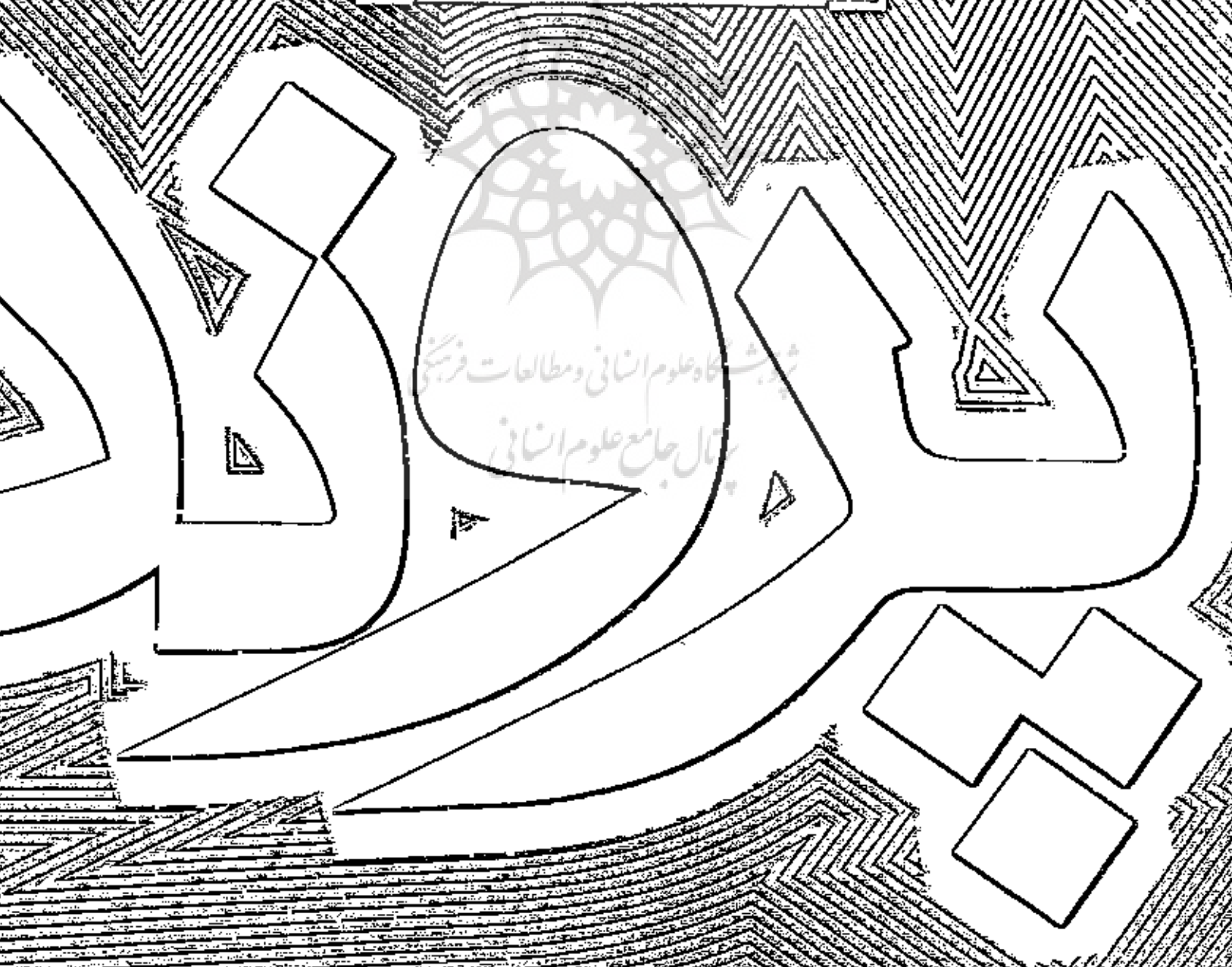
روزی که در آن روزی که سر از روی و با این پنج شکل و چهره

۲۰ آیین روی صحابه

روز و در آن روزی که سر از روی و با این پنج شکل و چهره

۲۱ چرا حی روح

در روزی که در آن روزی که سر از روی و با این پنج شکل و چهره



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پortal جامع علوم انسانی

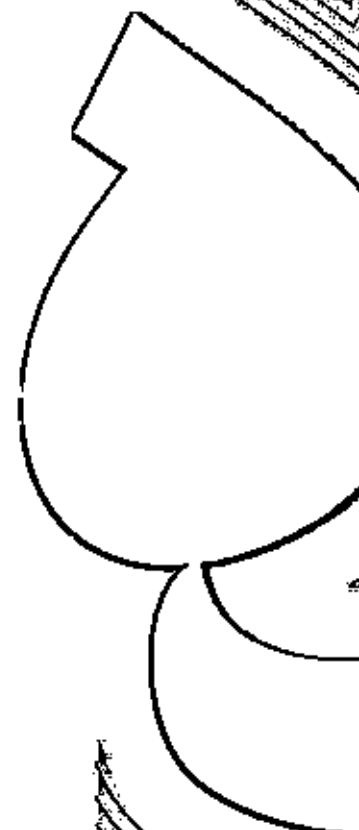
فرم برای معنای؟

پرونده هنر و ادبیات دینی

□ یک کلیشه قدیمی وجود دارد که می‌گوید ادبیات و هنر بی‌معنی و محدود نیستند. هر دو هم وجود خود را تسکین می‌کنند و هم تانید و ایستادگی را که اساس هر یک از آنهاست، که با روح بشری در آمیخته باشد و در میر و ملوک سبک‌های ادبی و فرهنگی بریزد و مشخص‌تری کند، عملاً بازی‌هایش را به فرم‌های محدود و مرزهای مشخص‌تری کند. اما از یک طرف همین هنر و ادبیات با توجه به مواضعی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محدود به محیط پیرامونش است. یعنی اینکه هر چه در هم بخواند، فلسفه و زوایای آن را کند، نهایتاً باز هم فرم‌های دیگری محصور و محدود کند و این امر را بر تانید بر قسمت این فرم‌ها تکنیک بر جنب و جلوه‌هایش و اثبات توانایی می‌تواند. مرزها برانشن کنند و بار از نو برآوردند و باز نگین ادبیات و هنر دینی تازه‌ها از این فضا مستثنای نیست بلکه مرزها و محدوده‌هایش جزو همان جزایر کوه‌گویی گنایا ملموس و مزایای قسمت در همان جزایر برآمده و فراوان است.

به‌نظر می‌رسد هنر و ادبیات در سنت‌های دینی و ادبیات و هنر در برابر قید محدودی در اختیار نداشته‌اند. برایشان نقش می‌بندد و سری از سر برضایت نگار می‌دهند یا تکرار می‌کنند. کسالت ادبیات و هنر، دینی و غیردینی نمی‌شناسد چون نابسته‌اند. باید در این زمینه تفکراتی را به‌طور صریح و تشریح کرد. چه آنهایی که مفهومی را نام هنر و ادبیات، دینی را تأکید کرده و چه کسانی که نمی‌دانند که هنر و ادبیات در یک قصبه بنا هم گنایا نظری دارند و این است که اساساً برای ادبیات و هنر دینی، تصویری و چهارچوب‌های نظری، مطمئن و معین تولید نشده یا پدید آمده است. دسته اول می‌گویند از طریق وضع تئوری‌های نظری و وجود هنر و ادبیات دینی را به رخ بکشند و دسته دوم مسر آن دارند که با خلق نظریه‌های مبهم، این وجود را مسکوت گذاشته و جداکننده‌ای و ایندولوریک فرس کنند. هر این دو مسئله، جدا از هم نیستند. مساله وجود یا عدم ادبیات و هنر دینی و پیشروانیش، صرفاً تکراری یا تأییدی دانسته و در مجموع زور بالایی و کم و اندک بوده نسبت به تئوری‌هایی که بتواند بر ادبیات و هنر دینی از هنر و ادبیات را به نقد و تحلیل بپردازد. البته همان‌طور که گفتیم کم و بیش بر ادبیات و هنر دینی در وضع تئوری‌های سازنده و تقابلی نسبت به وجود هنر و ادبیات دینی، کمره‌های هست و بلند مسیری پیش رو دارد تا به مقصد و مقصود خویش برسد. این پرونده را می‌توان فعالیت تئوری دانست که می‌گوید شکل آن راه می‌سوزد را مشخص و مسجل کند.

پژوهشگاه مطالعات
ادبیات و هنر



برای روشن شدن فلسفه هنر با دین، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که چه چیزی است هنر و متصف به صفت دینی می‌کند؟

اینها را بدانید

دین و هنر

ترجمه: حسین الله وردی

نسبت پارایتم هنر و دین، آمیزه‌های از آنها مورد کونگی است چرا که این نسبت با ارتباط دو ستر مستوفی رنگ‌ها و تمدن‌های سنتی تقسیم‌پذیر است بر استه تقسیم‌پذیری و مقوله‌بندی این روابط خود به اشخاص در عرصه مذکور تقسیم می‌شود: نخست «پژوهش در دین» دوم «همه کار بستن» شق اول اساساً به ماهیت و ذات نسبت هنر و دین می‌پردازد و بیشتر به جنبه‌های معنایی و مفهومی تکیه دارد شق دوم به کاربرد هنر در خدمت یاد دین در سپهر هنر می‌پردازد و مقوله کار کرد گرایشی را در نظر دارد مقاله پیش رو، که از دایره معارف دین به سرچشمی می‌رود جایگاه اقتباسی شده است با چنین تفکیکی به طرح بحث دین و هنر نظر می‌کند.

مطالعت دینی و هنری (در مقایسه با کاربرد آنها) استه کاربرد دین در ابتدا در عبادت و آموزش دینی نمود دارد هنر، حوله‌شاهل تراشی و خواه نگارگری نوشتاری (همچون خطوط هیرو گلیف) باشد هنر این ستر، روایت‌هایی می‌آفریند تا ابد ها و حقایق «ظهوری» دینی را به سوی «عمل» سوق دهد و موجب رشد عبادت‌های فردی و اجتماعی شود. مغایر دیگر اینکه مطالعات آکادمیک در عرصه دین، انتزاع‌آمیزی فرد را به تعلیق در می‌آورد تا مطالعه «هنر و دین» به مقصود مورد نظر برسد یعنی محقق باید با نگاهی بی‌طرف و بدون پیش‌فرض و جهت‌گیری خاص، در معنی چند پهلو و تأثیر و تأثرات دین و هنر بر یکدیگر آگاه شود. معنای این سخن آن نیست که اثر هنری، خنثی و بی‌طرف است زیرا هنر در خلأ زاییده و انحراف نمی‌شود. دلالت هنری، صرف نظر از کارکرد ایزاری‌اش، موجب تقرر فرهنگی می‌شود که امکان تأمل درباره عقیده تاریخی، فرهنگ ارتباط‌نگرش‌های فرهنگی معاصر و به تصویر کشیدن ارزش‌های فرهنگی موجود را ایجاد می‌کند. «واقعیت» دین با ورود تحریفات تاریخی، بسط جغرافیایی و حضور مناظر بشر و به خصوص رشد جوامع مومنین به چهیده تر شده است. برای فهم کامل دین از منظر محققان و جوامع مومن، باید جنبه‌های گوناگون آن را نمایش گرفته تا قواعد و ارزش‌های تألهیاتی مخلص، همگی را مورد توجه قرار داد. این هماهنگی میان امور مادی و الهی، معنای دین را احیاء می‌کند؛ حال آنکه هنر و طیف‌های متنوع آن از تصویرگری گرفته تا سروسرودهای عبادی، از رقص آپرسی تا هنر بومی و شعر و حکایات اخلاقی، همه و همه قرآنی جامع و فراگیر از لایان، پیش‌روی ما قرار می‌دهند. تحقیق در «هنر و دین»، صرف نظر از فرایندی روش‌شناسانه، با آرزوئیس مهم آغاز می‌شود؛ اینک به چه چیزی هنر را متصف به صفت مذهبی می‌کند؟ و اینکه «هنر دینی چیست؟» نخستین پرسش نقطه آغازین پژوهش‌های دینی و هنری به حساب می‌آید در

هنر و دین از زمینه‌های متنوع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به حساب می‌آید که هدف آن، تبیین روابط میان «تصویر» و «معنا» در قالب فعالیت‌های دینی است. کاربرد وسیع‌ترین عبارت، به پژوهش‌هایی در خصوص نقش، جایگاه یا نتیجه هنر در عرصه دین مربوط می‌شود هنر به عنوان شکلی از بیان خلاق، از وجه فلسفی بشر و عنصری سازنده در تکامل دین شناخته می‌شود هنر به واسطه بیان دیداری‌اش، به تمثیلات انسانی ارزش و معنایی بخشد و در عین حال، او را در لاق چشمه جهان و کیهان مورد توجه قرار می‌دهد. دین، به عنوان محرک خلاقیت و فرهنگ‌رانی معنوی است که با به کارگیری تجربه‌های روحانی، مناسب و اسطوره‌ها، باعث نزدیکی بشر و الوهیت می‌شود. دین و هنر از طریق تشریفات مذهبی و ارائه روایتی الهی، در قلمی واحد قرار می‌گیرند و متأثر از آن، هیچ‌بای از امر قدسی فراموشی آورند. هنر یا بهره‌جویی از آرمان‌ها و افکتهای دیداری، در زیبایی و حقیقت به سیاحت می‌پردازد و نگرش‌هایی از امر قدسی را در جهت دستکاری انسان عرضه می‌کند. تعامل میان تصویرسازی و «معنای» و «متناظر» آن، ارتباط خلاق میان بشر و الوهیت، اصل مهمی در این زمینه به حساب می‌آید.

○ پژوهش و کاربرد در هنر و دین، هنر، چه در چهارچوب دین پژوهی، چه در مقولات خاص، در واقع مبتنی است بر مقوله سنتی «پژوهش در دین» و «همه کار بستن» آن سنت ریشه این دوگانگی که علاوه بر دین در عرصه هنر نیز مصداق دارد، به مقولات عینیت (objectivity) و ذهنیت (subjectivity) باز می‌گردد زیرا کاربرد دین (یا هنر) امری فیزیکی است که متمایز از گدیشیدن در باره دین (یا هنر) است. تمایز مذکور علاوه بر بحث آموزش، شامل تشخیص طبقه‌بندی و گونه‌های مختلف، آن نیز هست و نشانگر بر فری

اگر طریقی نمی‌تواند هنر دینی را از سایر شیوه‌های تصویرسازی و هنر مجسمه‌سازی متمایز کند، هنر دینی به عنوان شیوه‌ای برای بیان مفاهیم دینی و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در نظر گرفته می‌شود. در این حوزه هنر را می‌توان به شیوه‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد: هنر دینی در عبادت، هنر دینی در آموزش، هنر دینی در تزیین اماکن مقدسه، هنر دینی در تبلیغات، هنر دینی در تئاتر و سینما، هنر دینی در مجسمه‌سازی، هنر دینی در خطاطی، هنر دینی در معماری، هنر دینی در گرافیک، هنر دینی در موزیک، هنر دینی در رقص، هنر دینی در شعر و ادبیات، هنر دینی در صنایع دستی، هنر دینی در بازی‌های رایانه‌ای، هنر دینی در اینترنت و هنر دینی در سایر رسانه‌ها. هنر دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های هنر در نظر گرفته می‌شود و به دلیل اهمیت ویژه‌اش در بیان مفاهیم دینی و ارزش‌های اخلاقی، مورد توجه و محققان و هنرمندان قرار می‌گیرد.



در هر جمله اول شما پذیرفته به نظر برسید اما بعد کمی وقت و تأمل می‌تواند رساله «توسعه هنر» صورت گیرد که کار را در حوزه مفاهیم و مفاهیم هنری و معنوی دینی در کلیت و بخشی از آن است. کتابش در حوزه هنر و فلسفه و معنای دینی است. سری‌نگار داشته‌اند ای است.

دیداری» (visual liturgy) شناخته می‌شوند. اثر هنری نمادین و تجسمی که مرتبط با دعا و نیایش‌های فردی است. «تأملات دیداری» (visual contemplation) و اثری که تأملات معنوی را بر می‌انگیزد «صرفان دیداری» (Visual mysticism) نامیده می‌شود. ویژگی‌های نمادین، نقش‌ها یا علائمی که معانی دینی و اصول الهیاتی را منتقل می‌کنند و تنها برای اهل فن قابل فهم هستند. هنر «علائم و رموز دیداری» (visual codes) نام دارند. هنری که اجزای دیداری یا تجربه مواجهات معنوی مومنان را از تقاسمی دهد به نام «مراتب و آیین دیداری» (visual decoration) شناخته می‌شود. هنر جز هر دینی می‌تواند یک یا مجموعه‌ای از چند مغفوله فوق را هرگز نگردد. این وجود، بعضی آثار هنری هستند که تعیین مغفوله هنری آنها دشوار است؛ مثلاً پلاک‌های مقررش کاری شده در معماری اسلامی که تعدادی از محققان آنها را اصغر قالی‌زبیا می‌دانند و بعضی دیگر هم آنها را نمادی از کثرت موجود در وحدت خداوند در نظر می‌گیرند.

○ هنر به مثابه پیام دین: هنر به عنوان پیوند دهنده معنا و ارزش می‌تواند طریق درونمایه‌اش فعالیت دینی به حساب آید. هنر دینی علائم و نمادهایی را تصویر می‌کند که برای اهل فن قابل فهم و برای غیر متخصصان واجد ابجد زیبایی‌شناختی است. هنر را می‌توان به واسطه کارگردش هنر دینی نمیدان کارگردانسی هنرهای دینی معمولاً کارگردی - تبلیغی است. مثلاً موضوعات زیبایی‌شناسی که کشتن و متصدیان دینی به شیوه معنوی به کار می‌گیرند - همچون کتب مقدس، مسلمانان، جام‌های مخصوص و... کارکردهای دینی مشخص دارند. استفاده از آثار هنری چه در اماکن مذهبی و چه برای فعالیت‌های مذهبی و چه دینی به هنر می‌دهد و از این جهت هنر همواره حمایت همه مومنان را به خود جلب کرده است. هنر مند هم به عنوان خلق اثر هنری در انتقال سویه مذهبی به هنر نقش مهمی ایفا می‌کند. تعریف هنر مند از معنویت متناسب با دیدگاه مختلف تغییر است. ویژگی‌ها و مقولاتی که هنر مند آن تعریف می‌شود منوط به ارتباط میان هنر و هنر مند، هنر و معنویت فردی و سرانجام میان امر زیبا و تجربه روحانی است و در حیطه هر دین و فرهنگی یا اشکال مختلف تعیین می‌شود و اکثراً دین به هنر بر خورد با هنر دینی منوط به ایمان فردی، اعتقاد رسمی، نگرش‌های دینی به کیفیت زیبایی‌شناختی ملحوظ در اثر هنری است. التزام به تقدس در تصویر دینی عرضه شده برای ایجاد دسترسی بی‌واسطه و همپوشانی به خدا، اصلی مهم در هنر دینی است. اما همچنین واکنش مذکور، به اعتقاد هنر مند نسبت به تقدیم ذات مقدس در مقایسه با قدرت تصویر بستگی دارد و واقعیت این است که یک اثر هنری ممکن است واکنش‌های متعددی را در پی داشته باشد البته هر یک از این واکنش‌ها با پیش فرض‌های افراد در خصوص ماهیت دین و هنر مرتبط است. آنچه در زمینه واکنش انسان به هنر دینی اهمیت دارد این است که حتی کمترین تعامل با هنر مداخلی می‌شود چه سویی تجربه یا مشترک آن در قدرت و نیروی الهی آثار هنر دینی برای مقتدان تنها یک امر مادی نیست بلکه می‌تواند نیروی الهی به حساب می‌آید و با ملاحظه تخیل دینی در ادیان مختلف است که نسبت آدمی با امور الهی مشخص می‌شود.

حیطه گزینش و بسنج مناسب برای این مساله، اثر هنری گرفته تا فعالیت جمعی، رویداد دینی یا تاریخی خاص و نظریات بدیع دینی موضوع‌بندی می‌شوند. مساله دوم این است که چه هنری می‌تواند موضوع تحقیق باشد. هر محققی بر مجموعه‌ای از ملاک‌ها تأکید می‌کند. تاهنر برتر را امتیاز کند.

○ تلقی‌های دینی از هنر: هنر سنت دینی خاصی، نسبت به هنر و طبعاً نسبت به خیال و تصویر تلقی خاصی دارد. برخی ادیان به احکام نوشتاری، عقاید و آیین‌ها رسمیت می‌بخشند و برخی دیگر، بر سنت شفاهی، تشریفات عبادی و اسطوره‌شناسی تأکید می‌کنند. تلقی‌های دینی از هنر را می‌توان در اشکال «تجسمی»، «غیر تجسمی» و «ضد تجسمی» صورت‌بندی کرد. تلقی تجسمی، باز شناسی واقعیات را در قالب تجسمی و باز نمود مادی آن جست‌وجو می‌کند. این رویکرد را در هر یزانی و در مجسمه‌های مریم مقدس می‌توان مشاهده کرد. این تلقی در نهایت به سوی پست‌ریستی گام برمی‌دارد. تلقی غیر تجسمی با استفاده از نماد و نماز غیر نموداری (nonrepresentational)، واقعیت قدسی را به عرصه تخیل هنری وارد می‌کند تا گرایش به آثار، عبادت‌تامل و مراقبه را تسهیل کند. این تلقی را می‌توان در خطاطی‌های پرترافتی یافت که در کتب خطی اسلامی به نحو درخشانی ترسیم شده‌اند. چنین رویکردی نهایتاً به تجرد محض و طبعاً به سمت حذف کامل صورت (form) پیش می‌رود. تلقی ضد تجسمی، به طور کلی هر شکلی از تصویرگری را نفی می‌کند. کتیبه‌های یهودی و بسیاری از کلیساهای پروتستان را که ماری از هر گونه تصویر هستند، می‌توان نمونه‌هایی از تحقق این تلقی به حساب آورد. این نگاه به هنر نهایتاً موجب سختگیری مغرب نسبت به هر نوع تصویر و تصویرگری، چه قدسی و چه غیر از آن می‌شود. اگر چه این تقسیم‌بندی روشن‌گر است اما به ندرت می‌تواند دینی را یافت که مجموعه‌ای از نگرش‌های فوق را در تاریخ خود به کار نگرفته باشد. در همه نظریات پیرامون هنر و دین همواره می‌توان نوعی از همراهِی و همبودی میان نگرش‌های متعدد دینی نسبت به تصویرگری را مشاهده کرد. بودیسم یکی از ادیانی به شمار می‌آید که در طول تاریخ خود واجد هر سه تلقی دینی فوق بوده است.

○ مقولات دینی برای هنر: هنر در اماکن مذهبی و همین‌طور در تشریفات و آیین‌های دینی نقش‌های متعددی را ایفا کرده است. هنر به واسطه کارکردهای خاص خود موجب استقرار و بسط هویت دینی در زندگی فردی و اجتماعی مومنان شده است. یکی از این کارکردها «تعلیم ایمان» به وسیله نگاره‌های نمادین و تذکر آمیز روایت و عقاید است. این جنبه‌های تعلیمی هنر در دین با عنوان «الهیات دیداری» (visual theology) توصیف می‌شود و هنر نمایشگر می‌تواند الگوهای دیداری برای رفتار شایسته، پوشش مناسب، عشق و کنش نیکو ارائه دهد. این الگوهای نمادین در قالب‌های زیبا می‌توانند آیین‌های مذهبی را برقرار کنند. این ابجد دیداری در آیین‌های تشریفاتی دین با عنوان «آیین‌های